

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رمضانیاات: روزگی/دریوزگی (صیام/افطار؛ Fasting/Panhandling):

از آن مثل خود است

He is for His Like

پنج شنبه ۲۰ - ۰۹ - ۱۴۴۱؛ ۲۵ - ۰۲ - ۱۳۹۹؛ ۱۴ - ۰۵ - ۲۰۲۰

از آنِ مثل خود است

اشاراتی در باب روزه داری

• شیخ ابن عربی می فرماید [صوم در لغت و نفی مثلیت از آن در میان عبادات]:

بدان! ای که خدا تأییدت کند که صوم همان إمساك و رفعت است. می گویند، "صام النهار" هنگامی که ارتفاع یابد [روز]. ... و چون صوم در درجه برتری و ارتفاع دارد بر همه عبادات "صوم" نامیده شد. به زودی یاد آورد خواهیم گردید که خدای سبحان آن را بلند داشت با نفی مثلیت از آن در عبادات و سلب آن از عبادش با وجود متعدد ساختن ایشان به آن، و اضافه نمود آن را به او سبحانه، و قرار داد جزاء هر کس را که متصف گردد به آن به دست خویش از هویت خویش و ملحق ساخت او به خود در نفی مثلیت. آن در حقیقت ترك است، نه عمل، و نفی مثلیت [نیز] وصفی سلبی است. بدین ترتیب، مناسبت بین آن و بین خدا تقویت گردید. خدا تعالی در حق خود می گوید، "لیس كمثله شیء" (۱۱: ۴۲) پس، نفی فرمود از اینکه برای او مثلی باشد. هم به دلالت عقلی و هم به دلالت شرعی خدای سبحان مثل ندارد و نسائی از ابي امامة چنین نقل کرده است: نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم شدم و عرض کردم مرا به چیزی فرمان ده که از تو فرا گرفته باشم. فرمود: بر تو باد صوم که مثلی ندارد. بدین ترتیب، نفی فرمود عبادتی از عباداتی که برای عبادش تشریح فرموده است مثل آن باشد. [اگر] کسی بشناسد که صوم وصفی سلبی است چون ترك مفطرات است، قطعاً می داند که مثلی ندارد زیرا عینی ندارد تا متصف به وجودی گردد که قابل تعقل باشد.

از آنِ مثلِ خود است

اشاراتی در باب روزه داری

• شیخ ابن عربی می فرماید [صوم در لغت و نفی مثلیت از آن در میان عبادات] (ادامه):

برای همین، خدای تعالی فرمود، "الصوم لي". پس، آن در حقیقت نه عبادت است، و نه عمل. اگر اسم عمل بر آن اطلاق شود، به صورت مجازی باشد، مانند اطلاق لفظ موجود بر حق معقول نزد ما که مجازی است زیرا کسی که وجودش عین ذاتش است نسبت وجود به او مانند نسبت وجود به ما نیست زیرا "لیس کمثله شیء" (۱۱: ۴۲).

• همچنین شیخ می فرماید [دو شادی روزه دار]:

بدان که چون نفی مثلیت فرمود از صوم، که در حدیث منقول از سنن نسائی به آن اشاره شد، و چون "لیس کمثله شیء" وصف حق است، پس، صائم (روزه دار) به ربش عزّ و جلّ پیوست با وصف "لیس کمثله شیء" و او را دید به توسط آن، و او رائی مرئی (بیننده دیده شده) است. برای همین، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود "فرح بصومه" (شاد می گردد به صومش) و نفرمود "فرح بلقاء ربه" (شاد می گردد به لقاء ربّش) زیرا فرح شاد نمی شود به خودش بلکه [دیگران] به آن شاد می شوند. کسی که حق بصر او باشد هنگام رؤیت و مشاهده اش نمی بیند خود را مگر به رؤیت او. پس، فرح صائم لحوق اوست به درجه نفی مماثلت.

از آنِ مثلِ خود است

اشاراتی در باب روزه داری

• در موضعی دیگر شیخ می فرماید [دو شادی روزه دار] (ادامه):

فرح [دیگر] او به فطر در دنیا از آن جهت است که می دهد حق نفس حیوانی [خود] را که طلب غذاء برای ذات خود می کند. عارف چون افتقار نفس حیوانی نباتی را به خود می بیند، و می بیند جودش را با دادن غذاء به او و أداء حقش که خدا بر او واجب ساخته است، قیام می کند در این مقام به صفت حق، و می بخشد به توسط ید الله، همانگونه که حق را هنگام لقاء اش دید به عین الله. برای همین، شاد می شود به فطرش همانگونه که شاد می شود به صومش هنگام لقاء ربش.

• در موضعی دیگر شیخ می فرماید [عبد صائم است ولی صوم فقط شایسته جلال خداست]:

این خبر متضمن نکته‌ایی است. آن این که عبد موصوف است به دارای صوم بودن و استحقاق اسم صائم را با این صفت دارد. آنگاه بعد از آن که اثبات نمود صوم را برای او، آن را حق تعالی از او سلب فرمود و به خود اضافه نمود و فرمود، "إلا الصيام فإنه لي" یعنی آن صفتی است صمدانی، [یعنی] تنزیه از غذاء نیست مگر برای من و اگر ترا به آن وصف نمود، فقط به اعتبار تقییدی از تقیید تنزیه بود، نه به إطلاق تنزیهی که شایسته جلال من است.

از آنِ مثلِ خود است

اشاراتی در باب روزه داری

• در موضعی دیگر شیخ می فرماید [عبد صائم است ولی صوم فقط شایسته جلال خداست] (ادامه):

پس، گفتم "أنا أجزى به." پس، حق جزاء صوم است برای صائم هنگامی که منقلب می گردد به سوی ربّش و ملاقات می کند او را به وصف "لا مثل له" و آن خود صوم است زیرا نمی بیند کسی را که "لیس کمثله شیء" باشد مگر آن که "لیس کمثله شیء" باشد. این نکته را ابو طالب مکی، که از سادات اهل ذوق می باشد، به صراحت بیان فرموده است چه "من وجد في رحله فهو جزاؤه" (۵۷: ۱۲) (جزاء آن هر کس است که آن را در بارش بیابند). [بنگر] که این آیه در این حالت چه چیزی را واجب می سازد!

• در جایی دیگر شیخ می فرماید (الفتوحات المکیة (عثمان یحیی)، ج ۹، ص: ۱۲۶):

طلوع هلال المعرفة في أفق قلوب العارفين) : اعلم أنه لا ترفع الأصوات إلا بالرؤية. و به سمی هلالا. فمتی ما طلع هلال المعرفة، في أفق قلوب العارفين، من الاسم الإلهي "رمضان"، و متى طلع هلال المعرفة، في أفق قلوب العارفين، من الاسم الإلهي "فاطر السماوات و الأرض"، و جب الفطر على الأرواح من قوله: "السماوات"، و على الأجسام من قوله: "و الأرض". و "طلع" هنا: أي "ظهر" فإنه (- هلال المعرفة) غارب يتلو الشمس.

از آن مثل خود است

دروازه ای مختص روزه داران

• **حدیث نبوی:** حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ .. عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ، - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ " إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الرَّيَّانُ يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَدْخُلُ مَعَهُمْ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ يُقَالُ أَيْنَ الصَّائِمُونَ فَيَدْخُلُونَ مِنْهُ فَإِذَا دَخَلَ آخِرُهُمْ أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ " (صحیح مسلم).

• **شیخ ابن عربی با استشهاد به این حدیث می فرماید:**

شرع صوم را از طریق معنی وصف فرمود به کمالی که کمالی فوق آن نیست وقتی که حق تعالی بابتی خاص برای آن تنها قرار داد و آن را به اسمی خاص که آن کمال را طلب می کند نامید. با آن "باب الریان" گفته می شود که از آن روزه داران وارد می شوند. "الریّ" (سیراب شدن) درجه کمال شرب است زیرا بعد از "ریّ"، شارب اصلاً هیچ شرابی نمی نوشد ... در صحیح مسلم حدیثی است از سهل بن سعد که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود برای بهشت بابتی است که به آن "الریان" گفته می شود و از آن باب در روز قیامت فقط روزه داران وارد می شوند و احدی غیر از آنها از آن باب وارد نمی شود.

از آنِ مثلِ خود است

دروازه ای مختص روزه داران

• شیخ ابن عربی با استشهاد به این حدیث می فرماید (ادامه):

گفته می شود روزه داران کجایند، پس داخل می شوند و چون آخرین آنها داخل شود، آن در را می بندند و دیگر احدی از آن در داخل بهشت نمی گردد. چنین سخنی در مورد هیچ یک از عبادات، چه آنها که نهی می باشند، و چه آنها که امری هستند گفته نشده است مگر در مورد صوم. پس، آشکار شد که "ریان" آنها به صفت کمال در عمل رسیدند زیرا متصف شدند به چیزی که مثل ندارد همانطور که گذشت. و آنچه مماثل ندارد کامل است در حقیقت، صائمان عارف داخل آن می شوند در اینجا، و در آنجا داخل می شوند از آن با برتری علمی بر همه خلایق.

He is for His Like

A Gate for Fasters

- A narration from Prophet Muhammad (PBUH):

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ . . عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ، - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ " إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الرَّيَّانُ يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَدْخُلُ مَعَهُمْ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ يُقَالُ أَيْنَ الصَّائِمُونَ فَيَدْخُلُونَ مِنْهُ فَإِذَا دَخَلَ آخِرُهُمْ أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ" (صحيح مسلم).

Sahl b. Sa'd (Allah be pleased with him) reported Allah's Messenger (PBUH) as saying: In Paradise there is a gate which is called Rayyan through which only the people who fast would enter on the Day on Resurrection. None else would enter along with them. It would be proclaimed: Where are the people who fast that they should be admitted into it? And when the last of them would enter, it would be closed and no one would enter it.